



انديشه  
خاورشناسي



جهان اسلام از حدود یک قرن پیش متوجه خطر اندیشه شرق شناسی شد و در این زمینه مطالعات و تألیفات متعددی، به ویژه طی سه دهه اخیر، صورت گرفت. همچنین سمینارهایی جهت بررسی اندیشه شرق شناسی از نقطه نظر انگیزه‌ها، اهداف، زمینه‌ها و آثار علمی، تشکیل شد.

به رغم آنچه که از این اندیشه سرچشمه گرفته، نظرات محققان نسبت به آن متفاوت است و می‌توان این نظریات را به سه بخش تقسیم کرد:

۱. گروهی در مدح و ثنای اندیشه شرق شناسی راه افراط رفته‌اند و آن را شیوه‌ای متدیك، دارای دقت علمی و انجام خدمات بزرگ به تفکر اسلامی دانسته‌اند.

۲. گروهی اندیشه خاورشناسی را رد کرده‌اند؛ بدان علت که هر آنچه از آن صادر شده منصفانه نبوده است و به شناخت حقیقت از موضعی بیطرفانه نپرداخته و در اساس اندیشه‌ای خصومت‌آمیز و ظالمانه است.

۳. عده‌ای میانه‌روی پیشه کرده‌اند و قائل به عدم زیاده‌روی در مدح یا نکوهش آن می‌باشند. این بخش، خوبی‌ها و بدی‌های شرق شناسی را بدون کتمان حقیقت، و یا در گذشتن از اشتباه یا فساد آن، یادآور می‌شود.

اما آنان که در تمجید از اندیشه شرق شناسی زیاده روی کرده‌اند، محاسن آن را بیش از سیئات آن و فوایدش را بیش از زیان‌هایش انگاشته‌اند؛ از این رو اتفاق نظر دارند که برتری خاورشناسان در دو امر تبلور یافته است:

۱. انتشار آثار خطی و فهرست کردن آنها.  
۲. متوجه کردن اندیشه اسلامی به اتخاذ روشی علمی در مطالعات و بررسی‌ها.<sup>۱</sup>

## طرفداران اندیشه خاورشناسی

خاورشناسان، بسیاری از میراث ارزشمند اسلامی را به صورتی علمی منتشر ساختند که این امر دسترسی به میراث گذشتگان را برای ما آسان کرد. این مزیتی است برای شرق شناسان، حال انگیزه‌های آنان هرچه باشد، نمی‌توان از آن چشم فرو بست.

از سوی دیگر انتشار آثار خطی اسلامی، سرمایه علمی به طبع رسیده ما را فزونی بخشید و همین ثروت از مهمترین عوامل بیداری فکری معاصر بوده است.

استاد محمد کرد علی<sup>۲</sup> در یک سخنرانی پیرامون «تأثیرپذیری عرب‌شناسان از دانشمندان شرق شناس» انتشار آثار خطی عربی توسط خاورشناسان را یک جهاد عظیم می‌خواند و می‌گوید: آنان به واسطه انتشار این کتاب‌ها خدمات شایانی به زبان ما کردند و آنچه را که از طریق بررسی‌های تاریخ ملت و تمدن نیاکان ما احیاء کرده بودند، به ما آموختند.

البته اقدامات آنان به صورت جنبی به ما رسیده است؛ چه دانشمندان شرق شناس و محافل آنان قصد خدمت به ما را نداشتند بلکه خدمت به علم یا افکاری که خواهان گسترش آن بودند، هدف آنان بوده است و اینکه از رهگذر کتاب‌های گذشتگان موضوعی را استفاده کنند که گاه خلاف نظر ما را در آن می‌دیدند. نیت‌ها هرچه بوده است، فرهنگ عرب از این حرکت غریبان منتفع گردید. و بر همین اساس اخلاق به ما حکم می‌کند که دانش و فضل را از آن صاحبش بدانیم.

وی پس از برشمردن عناوین تعدادی از کتاب‌هایی که خاورشناسان در اروپا و آمریکا و روسیه انتشار داده‌اند، می‌گوید: تمام آنچه که این اشخاص منتشر ساخته‌اند، نشان‌دهنده بردباری طبیعی و ذاتی و کوشش و امانتداری قابل تمجید است. وی همچنین از شرق شناسان به خاطر تلاش در تحقیق و تفحص و تفتیح، تجلیل کرده و کارهای آنان را به طور کلی بدون شائبه دانسته است؛ هر چند برخی در این زمینه اشتباهاتی مرتکب شده‌اند ولی ما نیز با وجود آنکه عرب هستیم در تحقیق کتاب‌های خود دچار اشتباهات بزرگ شده‌ایم. خاورشناسان در کنار اقدام به انتشار صدها کتاب اسلامی، بررسی‌هایی علمی نیز از میراث ما، که در بردارنده تاریخ و سیر تحول و تأثیر آن بوده، به عمل آورده‌اند.<sup>۳</sup>

در مقدمه جلد اول کتاب المنققی من دراسات المستشرقین<sup>۴</sup> آمده است: خاورشناسان به تمامی بخش‌های فرهنگ ما وارد شده و در مطالعاتشان از روش‌های منظم و متدیك تحقیق پیروی کرده‌اند. آنها هر موضوع مهمی در دین و تمدن ما را مورد بررسی قرار داده‌اند و در بسیاری از موارد احاطه فراوانی به منابع داشته‌اند و از دید روشنی نیز نسبت به موضوعات مورد

# در ترازوی نقد علمی

نوشته محمد الدسوقی

ترجمه رضا شهریور

به خاطر اینکه مستشرقان به شیوه‌های تحقیق علمی منظم توسل جسته‌اند.

دکتر طه حسین در مقدمه کتاب فی الادب الجاهلی بررسی‌های شرق‌شناسان را تحقیقات علمی ارزشمندی می‌داند که هیچ پژوهشگر میراث فرهنگی مشرق زمین تا از نتایج علمی مطالعات خاورشناسان آگاه نباشد، نمی‌تواند اقدام علمی ثمربخشی انجام دهد. چرا که آنان اهل دانش بوده‌اند و دانش را نزد ایشان باید یافت. وی می‌افزاید: چگونه می‌توانیم تصور کنیم که یک استاد ادبیات عرب به یافته‌های مختلف علمی فرهنگی‌ها (مستشرقان) توجه نمی‌کند و انتظار هم نمی‌رود که توجه کند، ولی هرچه هست آنان تاریخ مشرق زمین و ادبیات و زبان‌های گوناگون آن را مورد مطالعه قرار داده‌اند. اینک علم و دانش نزد آنان است و ناچار باید از همان‌ها دریافت کنیم و این تا زمانی است که بتوانیم بر روی پای خود ایستاده و با بال‌های خود پرواز کنیم و آنچه را که ایشان در آن بر ما غلبه یافته‌اند، از علوم و آداب و تاریخ، مسترد داریم.<sup>۵</sup>

طه حسین در این نوشته، مستشرقان را دانشمندانی می‌داند که در زمینه تحقیق و بررسی موارث علمی، از ما برترند و راه تفوق بر آنان همانا پیروی از راه و روش آنان است.

دکتر زکی مبارک<sup>۶</sup> معتقد است که خاورشناسان گروهی از دانشمندان پر تلاش هستند که باید با آنها مرتبط بود. هر چند آنان طلابه‌دار استعمارگران بودند؛ و گرچه استعمار ذاتاً جرم نیست ولی قانون توخس می‌باشد و قانون توخس در طول زمان باقی می‌ماند. این کافی نیست که برای طرد استعمار، استعمارگران را مورد بغض و کینه قرار دهیم و با آنان قطع رابطه کنیم. مستشرقان که همراه و همگام استعمار بودند در طول زمان تبدیل به دانشمندانی گردیدند که انگیزه استعماری در آنان ضعیف شد و انگیزه علمی بر آنان راه یافت.

دکتر زکی مبارک اظهار می‌دارد که خاورشناسان در فهم میراث فرهنگی ما اشتباهاتی مرتکب شده‌اند و برخی از این اشتباهات مضحک است. همچنین آنان دارای نظرات ناصحیحی درباره اسلام و تعالیم آنند. نظراتی که مورد استفاده برخی از گروه‌های دینی قرار گرفته است. اما با همه اینها، آنان علی‌رغم دشمنی خود، با کارهایشان، به اسلام خدمت کردند. آنها فعالیت خود را بر قرآن و حدیث متمرکز کردند و هرآنچه را که به آن دو مربوط می‌شد با بهترین تألیف‌ها به طبع رساندند. قرآن و حدیث را فهرست نویسی، فصل بندی، تنظیم و مرتب کردند به گونه‌ای که ال‌زهر نیز از انجام چنین کاری عاجز بود. خاورشناسان علاوه بر آنچه گفته شد در تحقیقات و مطالعات ادبی و اسلامی نیز در حدود سه قرن از ما پیشی

## بنا بر نظر دکتر زکی مبارک خاورشناسان در فهم میراث فرهنگی ما اشتباهاتی مرتکب شده‌اند که برخی از آنها حتی مضحک است

نقد و بررسی برخوردار بوده‌اند و جرأت زیادی در وارد شدن به افق‌ها و میدان‌هایی که دین و سنت‌های ما مانع از ورود ما به آنها می‌شده است، داشته‌اند.

کوشش مستشرقان به بررسی، مطالعه و انتشار خلاصه نمی‌شود؛ بلکه به ایجاد و تنظیم فهرست‌های مختلف نیز می‌انجامد؛ فهرست‌هایی که از هزاران کتاب خطی پراکنده در کتابخانه‌های جهان، پرده برمی‌دارد و آنچه را که از میراث خود نمی‌دانستیم به ما می‌شناساند و ما سعی داریم تا آنجا که می‌توانیم آنها را از طریق تصویربرداری و مانند آن جمع‌آوری کنیم.

آنها فهرست‌های گوناگونی از موضوعات و الفاظ قرآن کریم و کتاب‌های مهم حدیث و برخی دیگر از کتاب‌های منبع در زمینه زبان، تاریخ و ادبیات تنظیم کرده‌اند. با جمع‌آوری متون مربوط به یک موضوع که از دقت و احاطه لازم برخوردار است، این امکان حاصل می‌شود که به احکام کتاب آسمانی خود و شناخت حدیث و دانشمندانی که آنها را استخراج کرده‌اند، واقف شویم. البته یک پژوهشگر ممکن است به نتایجی علمی دست یابد که خالی از نقص و نارسایی نباشد.

اما در هدایت اندیشه اسلامی به سوی کاربرد یک متن علمی در تحقیق، باید توجه داشت که فعالیت مستشرقان با تلاش، صبر، تحقیق و اتکاء به منابع اصلی مقرون بوده است و از همین رو جنبه آکادمیک در مطالعات شرق‌شناسان غلبه دارد؛ لذا در خدمت به میراث ما بر خود ما پیشی گرفتند و به نظریات و نتایجی علمی دست یافتند که ما بدان دست نیافته بودیم. این حاصل نشده است مگر

گرفته بودند به طوری که یک پژوهشگر در مصر و مشرق زمین، نمی‌تواند از بررسی‌های فراگیر و همه‌جانبه آنها بگریزد.

دکتر مبارک در ادامه می‌گوید: «برای من منعی وجود ندارد تا اعتراف کنم که تأثیر شرق‌شناسان در ذهن من باقی و روشن است، و برتری آنان بر من آشکار است و آنان بر من رجحان دارند.» وی در ادامه امت را به بهره‌گیری از تلاش‌های شرق‌شناسان دعوت می‌کند بدون اینکه به گمراهی و انحراف افتند. و نظرش را با این گفته در مورد مستشرقان به پایان می‌برد که «البته من در مورد اشتباهات شرق‌شناسان مسامحه و تساهل نکرده‌ام و به دنباله‌روی بدون بصیرت و کورکورانه دعوت نمی‌کنم، اما تأکید دارم که تحقیقات آنها بسیاری از عناصر اساسی و اصول مبنایی را در مطالعات زبان‌شناسی و اسلامی وارد کرده است. در دنیا شرّ محض و خیر محض وجود ندارد ولی نفع آثار این پژوهشگران بر ضرر آن غلبه داشته است.»<sup>۷</sup>

دکتر زکی مبارک به رغم اعتراف به اشتباهات مستشرقان و اینکه آنان طلایه‌دار اشغالگری بوده‌اند و مواضع ناصوابی در قبال اسلام داشته‌اند، نفع و فضل آنها را در انتشار بسیاری از میراث اسلامی، که ما بی‌تردید از آن منتفع شده‌ایم، و نیز در ارائه شیوه علمی مطالعه و بررسی، منحصر می‌داند. شیوه علمی تحقیق را ما از آنان برگرفتیم و کوشیدیم تا بدین وسیله بررسی‌های جدیدی را آغاز کنیم و حیات علمی خود را پیش ببریم. این جنبه بر دیگر جنبه‌های منفی اقدامات مستشرقان غلبه دارد و بر ماست که از آنان پیروی کنیم.

در برابر این نظر که شرق‌شناسان می‌خواسته‌اند با آثار خود که حاوی نظرانی فاسد بود، چهره اسلام و میراث و تمدن آن را مشوه سازند، کسانی که به ستایش شرق‌شناسان برخاسته‌اند و نفع آنان را بیشتر از ضررشان و خیر آنان را بیشتر از شرشان می‌دانند، معتقدند همان آراء فاسد نقش مثبتی در اندیشه اسلامی ایفا کرده است، چه اینکه بسیاری از دانشمندان مسلمان را به دفاع از دینشان برانگیخت و به بیان بطلان آنچه در محافل خاورشناسی پیرامون اسلام و مسلمانان می‌گذشت، واداشت و از اینجا بیداری اندیشه اسلامی آغاز شد تا با قوت در برابر شبهات و افتراءات بایستد. این بدان معناست که جنبه منفی اندیشه شرق‌شناسی آثار مثبتی بر تفکر اسلامی معاصر برجای گذارد. از آن پس علماء و متفکران مسلمان به دفاع از ارزش‌ها برخاستند و ضمن بیان ویژگی‌ها و معیّرات این ارزش‌ها به تمسک به آنها دعوت کردند.

کسانی که اسلام را مورد حمله قرار می‌دهند و به آن بی‌حرمتی می‌کنند، یا جاهلند و یا متعصبان کینه‌توزی‌اند که نمی‌خواهند نور حق، تاریکی‌های باطل را از میان بردارند. بنا بر آنچه که بیان شد مستشرقان - من حیث

لایحتساب - به اندیشه اسلامی فایده رسانده‌اند. این به طور کلی و به صورت مختصر نظر کسانی است که قائل به مفید بودن آثار خاورشناسان‌اند و برتری آنان را در شناخت میراث ما و بیداری ما، امری تردیدناپذیر انگاشته و حتی اشتباهات ایشان را موجب خیر برای اندیشه اسلامی دانسته‌اند.

### مخالفان اندیشه خاورشناسی

این گروه معتقد است شرق‌شناسان نه تنها خیری نداشتند، بلکه بسیار هم به ناروا و شرّ عمل کردند. مستشرقان با وجود آن که اختلاف زبان و ملیت داشتند، ولی با برنامه‌ریزی حساب شده، تضعیف قدرت اسلام را در تمامی زمینه‌ها در نظر گرفته بودند.

کسانی که به مخالفت و دشمنی با خاورشناسان برخاستند در موضع‌گیری خود نسبت به اندیشه شرق‌شناسی، عوامل ظهور آن و سیر تاریخی و آراء و نظرات صادره از سوی شرق‌شناسان و نیز اقدامات جاسوسی این گروه توجه داشته‌اند. مخالفان مستشرقان معتقدند وجود تعداد اندکی بیطرف در بین شرق‌شناسان دلیل بر آن نمی‌شود که اساس و بنیان فعالیت شرق‌شناسی بر نابودی موجودیت اسلامی نبوده باشد. محرک اولیه برای فعالیت از آغاز تاکنون همین امر بوده است.

مخالفان تفکر شرق‌شناسی بر این باورند که این اندیشه نفی را که دیگران برای آن قائلند و به ستایش بیش از حد آن پرداخته‌اند، نداشته است. این گروه شواهد بسیاری ذکر می‌کنند که حاکی از سوءنیت شرق‌شناسان

مخالفان اندیشه شرق‌شناسی  
شواهد بسیاری ذکر می‌کنند که  
حاکی از سوءنیت شرق‌شناسان  
نسبت به فرهنگ اسلامی است

نسبت به ما و فرهنگ اسلامی ماست.

اینک به ذکر دلایل رد نظرات کسانی که نسبت به مستشرقان قضاوت مثبتی دارند، می‌پردازم سپس دلایلی را که نشان‌دهنده عناد و خصومت آنهاست، برمی‌شمرم. اما درباره آنچه مربوط به میراث و فهرست‌نویسی و اهتمام به آن امور می‌شود باید گفت چیزی که به خاورشناسان در این زمینه نسبت داده می‌شود از نظر کمیّت مبالغه‌آمیز است یعنی آنچه مستشرقان به چاپ آن همت گمارده‌اند از ده درصد تمام آنچه که پیرامون میراث ما به طبع رسیده است، فراتر نمی‌رود.<sup>۸</sup> البته تعداد چاپ و انتشار کتب توسط شرق‌شناسان و یا دقت و اصانت و آگاهی آنان نسبت به متون، گرچه امر مهمی است اما مهمتر از آن علت توجه و اهتمام آنها به میراث فرهنگی شرق و انتقال آن به خارج از سرزمین‌های شرق اسلامی با شیوه‌های مختلف از جمله سرقت است. با پی‌بردن به این علت، هدف از انتشار و اینکه آیا علمی بوده است یا غیر علمی، روشن خواهد شد.

متفکر معاصر الجزایری مالک بن نبی در پاسخ به علل انتقال میراث ما به غرب می‌گوید: انتقال میراث مسلمانان به غرب در گذشته به خاطر ایجاد تعادل فرهنگی بوده، و در دوره کنونی به منظور ایجاد تعادل سیاسی از آن بهره می‌برند؛<sup>۹</sup> مقصود او (مالک بن نبی) آن است که غرب پیش از تماس با تمدن اسلامی با ریزه‌خواری علوم یونان می‌زیسته است و این دانش و علوم مسلمانان بود که غرب را از ظلمات قرون وسطی خارج کرد. برخی از اروپاییان به این برتری اعتراف دارند و معتقدند اگر معارف

عربی نبود امکان نداشت، اروپا دارای شأن و منزلتی بشود.<sup>۱۰</sup>

پس میراث اسلامی مسیر تمدن اروپا را تغییر داد؛ و البته مفهوم میراث اسلامی به هر آنچه غرب از مسلمانان، چه از طریق درس و چه از طریق ترجمه یا انتقال آثار خطی و تألیفات، گرفته است، اطلاق می‌شود. این میراث، غرب را در ابتدای جاده رنسانس قرار داد و به ابزار موفقیت در راه رسیدن به دستاوردهای تمدن، مجهز ساخت. از این رو بدون اغراق می‌توان گفت که از قرن ششم تا قرن بیستم میلادی هیچ اثر جدیدی پدید نیامده است مگر اینکه کم و بیش به تمدن اسلامی بازگشت می‌کند. تمدن معاصر اروپا به عصر رنسانس، که خود به فرهنگ مسلمانان در اندلس و جزایر دریای مدیترانه مربوط است و نیز به آنچه صلیبی‌ها پس از حدود ۲۰۰ سال غارتگری در سرزمین‌های اسلامی عایدشان شد، باز می‌گردد. جای تعجب نیست که اندیشه اسلامی در جهت تصحیح تفکر جهانی نقش رهبری داشته است و بزرگترین دستاوردها را در تاریخ قدیم و جدید دنیا به بار آورده است که یکی از نتایج بدون تردید آن، کشف قاره آمریکا بوده است.<sup>۱۱</sup>

این حقیقت، یعنی حقیقت تأثیر میراث اسلامی در اندیشه جهانی، چیزی است که بسیاری از مستشرقان و بلکه همه آنها سعی می‌کنند آن را مورد تردید قرار دهند. آنان می‌پندارند مسلمانان هیچ فضیلتی بر جهانیان ندارند و تمدنشان اقتباسی از تمدن‌های دیگر بوده است و فقط انتقال‌دهنده میراث دیگران بوده‌اند و هیچ ابتکار و پیشرفتی نداشته‌اند.<sup>۱۲</sup> در بین خاورشناسان هستند کسانی که در برابر آنچه اندیشه اسلامی با بخشندگی تمام به تمدن انسانی داده است، سکوت اختیار کرده‌اند و هم‌شان به ویژه در قرن نوزدهم که از ستم‌بارترین دوره‌های شرق‌شناسی به شمار می‌رود، تجاهل نسبت به فضیلت و برتری فرهنگ و تمدن اسلامی و کتمان نقش بی‌نظیر آن در ایجاد پیشرفت و ترقی بود.<sup>۱۳</sup>

این موضع از سوی مستشرقان، موضع انکار و تجاهل است و متفکر الجزایری مالک بن نبی از آن به تعدیل سیاسی تعبیر می‌کرد. بدین معنا که میراث اسلامی پس از آنکه رسالت خود را در پیشرفت اروپا و انتقال آن از یک زندگی آشفته و وحشیانه به زندگی پیشرفته و متمدن به انجام رساند، همین نتیجه وسیله‌ای برای غیرمسلمانان شد تا از ترقی آنان جلوگیری کنند؛ زیرا آنان از این پیشرفت در هراس بودند و نمی‌خواستند روزی فرا رسد که منافع و نفوذ و حمایت از دوستان یهودی و همفکران آنها، مورد تهدید قرار گیرد.

اگر مستشرقان پیوسته به تحقیق و نشر میراث ما روی می‌آورده‌اند آیا در پس آن می‌خواسته‌اند به واسطه انتشار

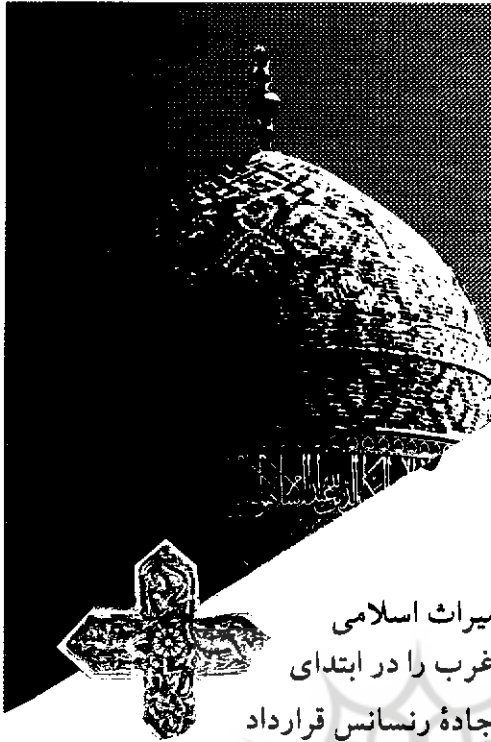
اندیشه اسلامی در جهت تصحیح تفکر جهانی  
نقش رهبری داشته است و بزرگترین دستاوردها را  
در تاریخ قدیم و جدید دنیا به بار آورده است

آثار، در راه رشد فرهنگ ملی و قومی خود گامی بردارند؟ آنها خوب می‌دانند که روشنفکران کشورهای غرب، این میراث را پس از انتشار به خاطر عدم آشنایی با زبان‌های شرقی، مورد مطالعه قرار نخواهند داد. آیا آنها می‌خواسته‌اند میراثی فهرست شده و مورد پژوهش قرار گرفته را به ما ارزانی دارند تا ما بتوانیم در راه بیداری و ترقی خود از آن بهره‌برداری کنیم؟

شرق‌شناسان سرمایه‌ها و اموال خود را صرف تحقیق و نشر نکردند تا در رشد فرهنگ ملی‌شان سهمی باشند، و نیز در محافظت از میراث ما و بهره‌برداری از آن برای پیشرفت زندگی، به ما هم کمکی نکردند. آنها به این امور توجهی نداشته‌اند. بنابراین انتشار میراث اسلامی با هدفی صورت گرفته است که با این امور بسیار فاصله دارد. این اقدام از سوی آنان به منظور بررسی روحیه ملت‌های اسلامی بوده تا برنامه‌ریزی اندیشه شرق‌شناسی در موضع‌گیری نسبت به این ملت‌ها بر پایه اصول علمی باشد و بتواند آرزوی مستشرقان و دولت‌های آنان را در دستیابی و احاطه به ابزار استیلاء و سیطره متحقق سازد. نخستین هدف از نشر میراث، شناخت دو جنبه قوت و ضعف مسلمانان بوده است تا بتوانند بر جنبه قوت تسلط یافته و فائق آیند و جنبه‌های ضعف را تعمیق و تشدید کنند.<sup>۱۴</sup> و از این رهگذر سایه نفوذ سلطه‌جویانه غرب بر ما افکنده شده است. آنها راه‌های بازگشت به اسلام صحیح را با خارهای گزنده و جراحات‌بار پر کرده‌اند تا مانع از تمسک مسلمانان به دینشان شوند. البته مسلمانان، بدون تمسک به دین هرگز قادر نخواهند بود در برابر اشغال‌گری مادی و معنوی غرب بایستند.

این اصلی‌ترین هدف اندیشه شرق‌شناسی و سیاست استعماری است و به همین دلیل برخی، شرق‌شناسی را، بکارگیری علم در خدمت به سیاست دانسته‌اند.<sup>۱۵</sup> از آشکارترین دلایلی که ثابت می‌کند مستشرقان در پس نشر میراث اسلامی، هدفی علمی را نمی‌جویند بلکه وظیفه تبشیر (تبلیغ مسیحیت) را در نظر دارند، آن است که بخش اعظمی از آنچه از میراث ما برگزیده‌اند، متعکس کننده آشفته‌گی فکری و سیاسی میان مسلمانان است و از همین رو همت خود را مصروف کتب فِرَق و درگیری‌های سیاسی و مذهبی کرده‌اند تا بر اوضاع و احوالی که خود در به وجود آوردن آن دست داشته‌اند و بر عواملی که موجب گسترش و مهم شدن مشکلات می‌شده، وقوف یابند. و از این طریق امت اسلامی را مشغول ساخته، نیروهایش را مستهلک کنند و بر اندیشه دانشمندانش چیرگی یابند و رهبرانش را خانه‌نشین کنند و چنددستگی و تفرقه به وجود آورند تا اختلاف و انشقاق حاکم گردد.<sup>۱۶</sup>

بنابراین مستشرقان در زمینه انتشار، بیش از توجه به



## میراث اسلامی غرب را در ابتدای

### جاده رنسانس قرارداد

و به ابزار موفقیت در راه رسیدن

به دستاوردهای تمدن، مجهز ساخت

جنبه‌های مثبت میراث ما، به جنبه‌های منفی اهتمام ورزیده‌اند. همچنین روش تحقیق آنها، علمی نبوده است، زیرا علاوه بر اشتباه در فهم، اتهام‌ها، تحریف‌ها و تفسیرهایی در کار آنان دیده می‌شود که نشان‌دهنده تعصب آنان در دشمنی با اسلام است و همگی تلاش‌های آنان نشان می‌دهد که اقدام آنان خدمت به مقاصد سیاسی و مطامع استعماری و گرایش‌های تبشیری بوده است.

پیرامون تحقیق در ایجاد فهرست‌ها، به ویژه از آنچه درباره قرآن کریم و مهمترین کتاب‌های قدیمی و کلاسیک آمده است، باید گفت مستشرقان فقط به منظور آماده ساختن ابزار لازم برای خود، اقدام به فهرست‌بندی آثار کرده‌اند تا از این طریق به بررسی جذبی و بیطرفانه و پی‌جویی مسائل تظاهر داشته باشند.

تلاش در ایجاد فهرست‌ها که ظاهراً اقدامی است که باعث ستایش طرفداران آنهاست و دلیلی بر سرمایه‌گذاری شرق‌شناسان - به لحاظ زمانی و مالی - محسوب می‌شود، موجب شده تا روشنفکران مسلمان شرق‌شناسان را دانشمندانی با اخلاص بدانند که به فرهنگ ما بیش از ما خدمت کرده‌اند. و این مجوزی شده است برای قبول هر آنچه که از سوی مستشرقان انجام گرفته است.

خلاصه کلام اینکه شرق‌شناسان در میدان تحقیق و فهرست‌نگاری و انتشار، مطابق سیاست‌هایی که از ابتدای فعالیت‌شان تدوین شده است، عمل می‌کرده‌اند و نه تنها از میراث ما چیزی را که موجب بیداری از خواب غفلت و عقب‌ماندگی شود، به ما ارائه نکردند؛ بلکه تا آنجا که ممکن بود زمینه‌های تفرقه و ضعف و دنباله‌روی را فراهم آوردند و مقاصد خود را برای تسلط فکری و سیاسی، متحقق ساختند.

عده‌ای از کسانی که خاورشناسان را به خاطر فعالیت در جهت تحقیق و نشر، ستایش می‌کنند، به بیان استدلال پرداخته‌اند. دکتر عایشه عبدالرحمن (بنت الشاطیء) در سخنرانی خود پیرامون میراث فرهنگی ما نزد شرق‌شناسان می‌گوید: ما وامدار و مدیون خاورشناسان، به خاطر گردآوری میراث و نگهداری آن هستیم. اگر میراث ما را به ما واگذار می‌کردند، چه می‌شد؟ آیا ما اهل جمع‌آوری و نگهداری آن بودیم؟ من با قاطعیت پاسخ می‌دهم، هرگز ما در بی‌خبری و غفلت بسر می‌بردیم. ما وجود این میراث را احساس نمی‌کنیم تا ارزش آن را بشناسیم و نیاز خود را نسبت به آن معین سازیم. خادمان معابد و زیارتگاهها اشیاء نفیس و با ارزش را یکجا بار شتر کرده و به بازرگانان شیرینی و حبوبات می‌فروختند ... فعالیت خاورشناسان در همه جا منحصر به جمع‌آوری و نگهداری نبود بلکه آنچه را از میراث ما گردآوری کرده بودند، به صورتی علمی فهرست‌نویسی کردند و سپس به انتشار آن پرداختند. کار آنان بر دقیق‌ترین روش تحقیقی و اسنادی استوار است. آنان ما را از خواب بیدار ساختند.

## انتقال علوم به اروپا

راهی شد در برابر اروپا

برای خروج از ظلمات قرون وسطی

هزاران گنجینه از منابع عربی به صورت مستند به رشته تحریر کشیده شده و ما در تحقیقات عالی بر آنها تکیه می‌کنیم و رجوع به آنها را در مطالعات تخصصی، موجب افتخار و مباهات به شمار می‌آوریم. می‌بینیم که بررسی‌های آنها در مسائل مشرق‌زمین، عرب و اسلام به حد حیرت‌آوری عمیق و تخصصی است. آیا آنها با این اقدامات بزرگ علمی در نظر داشته‌اند تا به اعراب، شرق و اسلام خدمت کنند؟

مستشرقان در مرحله نخست خدمت به کلیسا و استعمار را هدف خود قرار داده بودند، و آنچه که ما از تغییر روش‌ها و پیچیدگی آن در توجیه عبارات و بیان رویدادها و نیز انحراف در تفسیر متون شاهدیم، همه به منظور گرفتن نتایج زیانباری است که به دین و تاریخ ما آسیب می‌رساند. بر ما روا نیست که از این میراث گرانبها به خاطر بیگانگان دست برداریم، بیگانگانی که از امانتداری و درستکاری به اندازه ذوق در درک و فهم اسرار زبان عربی در بیان و تعبیر، کم بهره‌اند.<sup>۱۷</sup>

آیا این گفتار به نفع کسانی است که به دفاع از مستشرقان می‌پردازند یا برعکس، حکم به داشتن سوء نیت و ناتوانی آنان در زمینه زبان عربی می‌کند؟

دکتر عایشه عبدالرحمن نخست به یک حقیقت تاریخی اعتراف می‌کند و آن اینکه مستشرقان بسیاری از میراث ما را به دیار خود برده، آنها را فهرست‌بندی کرده سپس برخی را انتشار داده‌اند و اشاره کرده است که انتشار هزاران گنجینه عربی از سوی آنان یک ادعای مبالغه‌آمیز از نظر تعداد است، و هر آنچه هم که انتشار داده‌اند در حکم گنجینه‌های میراث ما نیست.

دکتر عایشه عبدالرحمن معتقد است مستشرقان در تحقیقات خود بر دقیق‌ترین اسناد تکیه کرده‌اند، در عین حال می‌پرسد چرا این تلاش بزرگ و منظم برای میراث ما صورت گرفته است؟ و خود پاسخ می‌دهد که آنان این کار را برای خدمت به اعراب و اسلام انجام نداده‌اند، بلکه منافع و مصالح خود را در نظر داشته‌اند. به همین دلیل مستشرقان متون را با یکسونگری تفسیر کرده و عبارات‌ها را به گونه‌ای پیچیده، مطابق با منافع خود توجیه می‌کنند که در نهایت به نتایج خطرناک و احکام ظالمانه‌ای منجر می‌شود. و این زهر هلاکت‌باری است که از جسارت مستشرقان به تاریخ و تعالیم دین ما نشأت می‌گیرد.

وی آنگاه به دانشمندان اسلام نسبت به حمایت از میراث‌شان در مقابل بیگانگانی که در صداقت و درستی و دقت در فهم زبان از بهره‌اندکی برخوردار می‌باشند، هشدار می‌دهد. وی شیوه‌ای را که فاقد پاکسی و درستی باشد نه تنها روشی علمی نمی‌داند بلکه آن را راهی به سوی گمراهی و فساد می‌شمرد.

اما درباره هدایت اندیشه اسلامی به سوی اتخاذ

- کتاب برجای مانده است. وی به سال ۱۳۷۱ ه. ق (۱۹۵۲ م) درگذشت.
۷. همان منبع.
۸. نگاه کنید به: المستشرقون و التراث از دکتر عبدالعظیم الدیب، صفحه ۱۳، چاپ دارالوفاء - المنصورة.
۹. نگاه کنید به: انتاج المستشرقین و أثره فی الفكر الاسلامی از مالک بن نبی، صفحه ۹، چاپ دارالارشاد - بیروت.
۱۰. نگاه کنید به: العرب و الحضارة الأروبية از عباس محمود العقاد، صفحه ۲۵، چاپ قاهره.
۱۱. نگاه کنید به: مطالعات از عباس محمود العقاد، صفحه ۹۳، چاپ قاهره.
۱۲. همان منبع.
۱۳. نگاه کنید به: محاضرات فی تاریخ العلوم عند العرب از دکتر فؤاد سزکین، صفحه ۸۴ - ۸۱، چاپ ریاض.
۱۴. نگاه کنید به: الاسلام و الدعوات الهدامة از انور الجنیدی، صفحه ۲۵۲، چاپ قاهره.
۱۵. همان منبع.
۱۶. نگاه کنید به: المستشرقون و التراث، صفحه ۲۷.
۱۷. نگاه کنید به مطلب موقف العرب من المستعربین از دکتر میشل جحا، چاپ شده در کتاب الاستشراق از سلسله کتب الثقافة المقارنة، جلد ۱، صفحه ۳۹، دارالشؤون الثقافية العامة - بغداد.



شیوه‌ای علمی در بررسی و تحقیق، ابتدا باید روشن کرد که نه تنها اندیشه اسلامی فاقد متد علمی نبوده است بلکه دارای روشی منحصر به فرد برای مطالعه و پژوهش است و میراث علمی مسلمانان در زمینه‌های گوناگون بهترین گواه آن است. اروپاییان تا پیش از عصر بیداری ما، علوم ما را ترجمه و به سرزمین‌های خود منتقل می‌کردند. و این در ابتدا به خاطر نیازمندی آنان به این علوم بود و در مرحله بعد آنها ایمان آوردند که علوم اسلامی از متدی علمی و مضامینی عمیق که تا قبیل از آن بشریت آنها را نمی‌شناخت، برخوردار است و این راهی شد در برابر اروپا برای خروج از ظلمات قرون وسطی؛ و این خروج از ظلمات ممکن نبود مگر آنکه اروپا در برابر دانش و اندیشه مسلمانان زانوی شاگردی بر زمین زند.

هر چند این شیوه و طریقه اسلامی در برخی از مراحل تاریخ به سستی گرایید، اما به دست گروهی از نوگرایان و تلاشگرانی که کوشیدند با تفکر علمی، تاریخ درخشان این امت را بازگردانند، زنده و مؤثر باقی ماند.

#### پانویس‌ها:

۱. نگاه کنید به کتاب مصادر الدراسة العربیة از یوسف أسعد داغر، جلد ۲، صفحه ۷۷۹ چاپ بیروت. وی یادآوری کرده است که خاورشناسان خدمات ارزشمندی به جوامع شرقی به طور اعم و به فرهنگ عربی به طور اخص، کرده‌اند. مهمترین این خدمات به فرهنگ عربی، جمع‌آوری آثار خطی و فهرست‌نویسی آنها و ایجاد آگاهی و بیداری فکری بوده است. وی همچنین اقدامات مستشرقان را تماماً متدیک دانسته است، هر چند برخی از آنها از دقت لازم برخوردار نبوده‌است.
۲. نگاه کنید به مجله المجمع العلمی العربی، جلد ۱۰، مجلد ۷، صفحه ۴۵۶ - ۴۳۳. محمد کرد علی از کردهای سلیمانیه عراق بود که به سال ۱۲۹۳ ه. ق در دمشق متولد شد و به سال ۱۳۷۲ ه. ق در همان جا وفات یافت. در سوریه و مصر به روزنامه‌نگاری اشتغال داشت و دیوار وزیر معارف سوریه شد. او بنیانگذار و رئیس «المجمع العلمی» در دمشق بود و دارای آثار علمی فراوانی است.
۳. نگاه کنید به کتاب المستشرقون از تجیب العقیقی، جلد ۱، صفحه ۷، چاپ سؤم، دارالمعارف - قاهره.
۴. نوشته دکتر صلاح الدین المنجد، چاپ بیروت.
۵. نگاه کنید به: مقدمه الأدب الجاهلی از دکتر طه حسین، جلد ۵، صفحه ۱۸، چاپ دارالکتاب اللبنانی - بیروت.
۶. نگاه کنید به: نفع المستشرقین اکثر من ضررهم از مجله الهلال، شماره سوم، سال ۱۹۳۳ م، صفحه ۳۲۱. دکتر زکی مبارک از نویسندگان معاصر عرب است که شیوه خاصی در نگارش داشت. وی به سال ۱۳۱۸ ه. ق در استان متوفیه مصر به دنیا آمد و تحصیلات خود را در الأزهر گذراند. به زبان فرانسه تسلط داشت و به تدریس در مصر و برخی دیگر از کشورهای عربی پرداخت. از او حدود سی